«آیا برای دیدن خورشید نیم روز، در یک روز آفتابی دچار مشکل می شوید؟» گفتند: خیر. فرمود: «آیا برای دیدن ماه شب چهارده در یک شب صاف و بدون ابر دچار مشکل می شوید؟».

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می گوید: اصحاب به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتند: یا رسول الله، آیا در روز قیامت پروردگارمان را خواهیم دید؟ فرمود: «هَلْ تُضَارُّونَ فِي رُؤْيَةِ الشَّمْسِ فِي الظَّهِيرَةِ، لَيْسَتْ فِي سَحَابَةٍ؟»:«آیا برای دیدن خورشید نیم روز در یک روز آفتابی دچار مشکل می شوید؟» گفتند: خیر. فرمود: «فَهَلْ تُضَارُّونَ فِي رُؤْيَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ، لَيْسَ فِي سَحَابَةٍ؟»: «آیا برای دیدن ماه شب چهارده در یک شب صاف و بدون ابر دچار مشکل می شوید؟» گفتند: خیر. فرمود: «فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لاَ تُضَارُّونَ فِي رُؤْيَةِ رَبِّكُمْ، إِلاَّ كَمَا تُضَارُّونَ فِي رُؤْيَةِ أَحَدِهِمَا، قَالَ: فَيَلْقَى الْعَبْدَ، فَيَقُولُ: أَيْ فُلْ أَلَمْ أُكْرِمْكَ، وَأُسَوِّدْكَ، وَأُزَوِّجْكَ، وَأُسَخِّرْ لَكَ الْخَيْلَ وَالإِبِلَ، وَأَذَرْكَ تَرْأَسُ، وَتَرْبَعُ؟ فَيَقُولُ: بَلَى، قَالَ فَيَقُولُ: أَفَظَنَنْتَ أَنَّكَ مُلاَقِيَّ؟ فَيَقُولُ: لاَ، فَيَقُولُ: فَإِنِّي أَنْسَاكَ كَمَا نَسِيتَنِي، ثُمَّ يَلْقَى الثَّانِيَ فَيَقُولُ: أَيْ فُلْ أَلَمْ أُكْرِمْكَ، وَأُسَوِّدْكَ، وَأُزَوِّجْكَ، وَأُسَخِّرْ لَكَ الْخَيْلَ وَالإِبِلَ، وَأَذَرْكَ تَرْأَسُ، وَتَرْبَعُ؟ فَيَقُولُ:بَلَى، أَيْ رَبِّ فَيَقُولُ: أَفَظَنَنْتَ أَنَّكَ مُلاَقِيَّ؟ فَيَقُولُ: لاَ، فَيَقُولُ: فَإِنِّي أَنْسَاكَ كَمَا نَسِيتَنِي، ثُمَّ يَلْقَى الثَّالِثَ، فَيَقُولُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَيَقُولُ: يَا رَبِّ آمَنْتُ بِكَ، وَبِكِتَابِكَ، وَبِرُسُلِكَ، وَصَلَّيْتُ، وَصُمْتُ، وَتَصَدَّقْتُ، وَيُثْنِي بِخَيْرٍ مَا اسْتَطَاعَ، فَيَقُولُ: هَهُنَا إِذًا، قَالَ: ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: الآنَ نَبْعَثُ شَاهِدَنَا عَلَيْكَ، وَيَتَفَكَّرُ فِي نَفْسِهِ: مَنْ ذَا الَّذِي يَشْهَدُ عَلَيَّ؟ فَيُخْتَمُ عَلَى فِيهِ، وَيُقَالُ لِفَخِذِهِ وَلَحْمِهِ وَعِظَامِهِ: انْطِقِي، فَتَنْطِقُ فَخِذُهُ وَلَحْمُهُ وَعِظَامُهُ بِعَمَلِهِ، وَذَلِكَ لِيُعْذِرَ مِنْ نَفْسِهِ، وَذَلِكَ الْمُنَافِقُ، وَذَلِكَ الَّذِي يَسْخَطُ اللَّهُ عَلَيْهِ»: «قسم به ذاتی که جانم در دست اوست، همانگونه که در دیدن ماه و خورشید هیچ مشکلی ندارید، در دیدن پروردگارتان هم هیچ مشکلی نخواهید داشت. روز قیامت الله متعال بنده اش را ملاقات می کند و می گوید: آیا به تو عزت و احترام عنایت نکردم؟ آیا تو را صاحب همسر نکردم؟ آیا اسب ها و شتران زیادی در اختیار تو نگذاشتم؟ آیا به تو این امکان را ندادم که به سیادت و بزرگی رسیده و یک چهارم غنیمت را برای خود برداری؟ بنده می گوید: بله. الله متعال می فرماید: آیا گمان می کردی که مرا ملاقات کنی؟ بنده می گوید: خیر. الله متعال می فرماید: همانگونه که تو مرا فراموش نمودی، من نیز تو را فراموش می کنم. سپس الله متعال بنده ی دوم را ملاقات می کند و می گوید: آیا به تو عزت و احترام عنایت نکردم؟ آیا تو را صاحب همسر نکردم؟ آیا اسب ها و شتران زیادی در اختیار تو نگذاشتم؟ آیا به تو این امکان را ندادم که به سیادت و بزرگی رسیده و یک چهارم غنیمت را برای خود برداری؟ بنده می گوید: بله پروردگارم. الله متعال می فرماید: آیا گمان می کردی مرا ملاقات کنی؟ بنده می گوید: خیر. الله متعال می فرماید: همانگونه که تو مرا فراموش نمودی، من نیز تو را فراموش می کنم. سپس الله متعال بنده ی سوم را ملاقات می کند و همین سؤالات را از او نیز می پرسد. او می گوید: پروردگارا، من به تو، کتاب هایت و پیامبرانت ایمان آوردم، نماز خواندم، روزه گرفتم و صدقه دادم. و تا جایی که می تواند خوبی ها را برمی شمارد. الله متعال می گوید: همینجا توقف کن. الآن گواهان را می آوریم تا علیه تو گواهی دهد. این بنده با خود فکر می کند و می گوید: چه کسی علیه من گواهی خواهد داد؟ در این هنگام بر دهانش مُهر زده می شود و به ران، گوشت و استخوانش گفته می شود: صحبت کنید. بنابراین ران، گوشت و استخوانش به سخن آمده و اعمالش را برمی شمارند؛ و این از آن جهت است که عذرش به وسیله ی خودش برطرف گردد. و این منافقی است که الله بر او خشم گرفته است».

[صحیح است] [به روایت مسلم]

گروهی از صحابه به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتند: آیا ما در قیامت پروردگارمان را خواهیم دید؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم به آنان فرمود: «آیا برای دیدن خورشید نیم روز، در یک روز آفتابی دچار مشکل می

شوید؟»؛ یعنی: آیا برای دیدن خورشید در زمان ارتفاع گرفتن و ظهور و انتشار نور آن در روز صاف و آفتابی با یکدیگر اختلاف و نزاع می کنید و به یکدیگر آسیب می رسانید؟ گفتند: خیر. فرمود: «آیا برای دیدن ماه شب چهارده در یک شب صاف و بدون ابر دچار مشکل می شوید؟»؛ یعنی: آیا برای دیدن ماه کامل که در وسط آسمان صاف و بدون ابر قرار دارد، با یکدیگر اختلاف و نزاع می کنید و به یکدیگر آسیب می رسانید؟ گفتند: خیر. فرمود: «قسم به ذاتی که جانم در دست اوست، هماهنگونه که در دیدن ماه و خورشید هیچ مشکلی ندارید، در دیدن پروردگارتان هم هیچ مشکلی نخواهید داشت»؛ یعنی: او را به وضوح و آشکارا خواهید دید، چنانکه هیچ شک و تردیدی به وجود نیاید و موجب اختلاف و نزاع و تکذیب یکدیگر نشود، درست همانطور که در دیدن ماه و خورشید تردیدی نداشته و با یکدیگر اختلاف نمی کنید. این تشبیه تنها برای اثبات ظهور، وضوح و آشکار بودن آن است، بطوری که هیچ تردیدی در این رابطه نباشد، نه به اعتبار مشابه بودن در سایر کیفیت ها یا در جنسی که مشاهده می شود. زیرا الله متعال از مشابهت با مخلوقات پاک و مبرا است. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم یکی از صحنه های قیامت را به تصویر می کشد و آن اینکه پروردگار متعال بنده ای از بندگانش را ملاقات می کند و نعمت های خود را برای او یادآوری می نماید و می گوید: ای فلانی، آیا تو را گرامی نداشتم؟ آیا در میان قومت به تو سروری ندادم؟ آیا از جنس خودت همسری را به تو عطا نکردم و میان تو و او مودت، رحمت، انس و الفت برقرار ننمودم؟ و اسب ها و شترها را رام در اختیارت قرار ندادم؟ و تو را سردار قوم و قبیله ات نگرداندم؟ که یک چهارم مال غنیمت را دریافت می داشتی. در زمان جاهلیت پادشاهان یک چهارم مال غنیمت را برای خود بر می داشتند. و بنده به تمامی این نعمت ها اعتراف می کند. پس پروردگار می گوید: مگر نمی دانستی که بزودی با من دیدار خواهی کرد؟ می گوید: خیر. الله متعال می گوید: «من نیز امروز تو را فراموش می کنم چنانکه تو مرا فراموش کردی». یعنی: امروز تو را از رحمتم دور می کنم، چنانکه تو طاعت و بندگی مرا در دنیا ترک کردی؛ در اینجا نسیان به معنی ترک و فراموشی عمدی است؛ چنانکه الله متعال می فرماید: «إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ» [سجده: 14] «و همانا ما نیز شما را به دست فراموشی سپردیم و بچشید عذاب همیشگی را». سپس الله متعال بنده دومی را ملاقات می کند و رسول الله صلی الله علیه وسلم همان سؤال و جواب ها را ذکر می کند. سپس با نفر سومی دیدار می کند و به او نیز همان موارد را می گوید. فرد سوم می گوید: پروردگارا من به تو، کتاب ها و پیامبرانت ایمان آوردم و نماز خواندم و روزه گرفتم و صدقه دادم. و تا می تواند از خود تعریف می کند. پروردگار می گوید: «همینجا توقف کن»؛ دیگر تعریف و تمجید از خود بس است. و حال می خواهیم اعمال تو را با اقامه شاهد و گواه بسنجیم. سپس به او گفته می شود: الآن گواهان را می آوریم تا علیه تو گواهی دهد. این بنده با خودش فکر می کند و می گوید: چه کسی علیه من گواهی خواهد داد؟ در این هنگام الله بر دهانش مُهر زده و به ران، گوشت و استخوانش دستور می دهد تا صحبت کنند. بنابراین ران، گوشت و استخوانش صحبت می کنند و اعمالش را برمی شمارند؛ و این از آن جهت است که عذرش به وسیله ی خودش برطرف گردد؛ یعنی: سخن گفتن اعضای بدن او به این خاطر است که الله عذرش را به وسیله خودش رفع نماید و اعضای خودش به گناهان زیادش اعتراف نمایند و برایش عذری باقی نماند که بدان متمسک شود. و این بنده ی سوم، منافقی است که الله بر او خشم می گیرد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/10413